

بررسی تطبیقی اشتغال زنان در مکتب اسلام و فمینیسم*

- قدرت‌الله خسروشاهی^۱
- فهیمه مؤمنی راد^۲

چکیده

پدیده اشتغال و کار از ابتدای زندگی اجتماعی انسان مورد توجه بوده است. امروزه تفاوت موجود در مفاهیم سنتی و جدید نقش جنسیتی، عامل اصطکاک در خانواده‌هاست.

اشتغال زنان هم‌پای عصر صنعتی مهم‌تر شد؛ زیرا زنان در نیل به استقلال مالی، هویت شخصی، مشارکت اقتصادی و مانند آن به کار در خارج از خانه اهمیت بیشتری داده‌اند. علاوه بر این، نیاز جوامع صنعتی و حتی کشورهای رو به رشد به کار زنان، آنان را به کار تشویق کرده است. از این رو طرح، وضع و اجرای قوانینی که نحوه استخدام، شرایط کار، میزان دستمزد و کیفیت مرخصی زنان را معین می‌کند به پدیده‌ای اجتناب‌ناپذیر تبدیل شده است. مقاله حاضر می‌کوشد نگاه اسلام و فمینیسم به مسأله «اشتغال زنان» را ترسیم کند.

واژگان کلیدی: اشتغال زنان، زنان، حقوق، ایران، فمینیسم

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۶/۲۳ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۱۸

۱. استادیار گروه مطالعات زنان، دانشکده اهل‌بیت، دانشگاه اصفهان gh.khosroshahi@ase.ui.ac.ir
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات زنان، دانشکده اهل‌بیت، دانشگاه اصفهان (نویسنده مسؤول) momenirad.f@gmail.com

مقدمه

اشتغال زنان در فعالیتهای اقتصادی در چند دهه گذشته، به ویژه در جوامع شهری بسیاری از کشورها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این میان مسائلی مطرح شده که به دلیل اهمیت، موضوع پژوهش‌های متعددی قرار گرفته است.

وضعیت زنان، که حدود نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند، در سراسر دنیا تحت تأثیر متغیرهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی (اشتغال، بهداشت، ازدواج، باروری و آموزش و پرورش) قرار دارد. دستمزد متفاوت زنان در نقاط مختلف دنیا از همین واقعیت حکایت دارد. زنان، به خصوص در کشورهای جهان سوم، سخت‌تر از مردان کار می‌کنند، ولی به طور معمول به کار آنها کم‌تر بها داده می‌شود و حقوق مناسبی دریافت نمی‌کنند.

«در سطح جهان، زنان حدود نیمی از مواد غذایی دنیا را کشت می‌کنند؛ ولی به طور تقریبی هیچ‌گونه زمینی از خود ندارند. آنها حدود یک سوم نیروی حقوق بگیر رسمی جهان را شامل می‌شوند، ولی دستمزدی کم‌تر از مردان دریافت می‌دارند. آنهایی که در خارج از خانه به کار مشغولند، اغلب به طور مضاعف کار می‌کنند؛ به این معنا که علاوه بر کمکی که به درآمد خانواده می‌کنند، مسئولیت نگه‌داری از بچه‌ها و کارهای خانه را نیز به عهده دارند» (محمد تقی شیخی، ۱۳۶۹، ص ۱۲۸).

اسناد بین‌المللی و قوانین جمهوری اسلامی به اشکال گوناگون، به مسأله «اشتغال زنان» پرداخته‌اند. حجم کنوانسیون‌ها و مقاله‌نامه‌ها و دیگر اسناد بین‌المللی درباره اشتغال زنان نسبت به قوانین مربوط به اشتغال زنان در جمهوری اسلامی بیشتر، ولی از کیفیت انسانی و دینی نازل‌تری برخوردار است؛ زیرا مبنای حقوق بشر غربی بر انسان‌مداری بدون توجه به خدا بنا شده است، اما در حقوق بشر اسلامی، خدامحوری مهم‌ترین اصل در تدوین و وضع قوانین به شمار می‌رود. با این وصف، واضعان و مجریان حقوق بشر غربی و حتی سازمان‌های

بین‌المللی می‌کوشند بی‌توجه به فرهنگ‌های بومی و دینی، ارزش‌های اروپایی و آمریکایی در خصوص حقوق زنان را به همه جهان صادر و یا بر آنها تحمیل نمایند. مطالعه این مقاله موجب می‌شود به تفاوت‌های بیشتری و در عین حال، شباهت‌هایی بین دو دیدگاه اسلام و فمینیسم به اشتغال زنان پی ببریم.

۱. معناشناسی

واژه اشتغال در زبان فارسی به معنای «به کاری پرداختن، مشغول شدن، به کاری در شدن، به کاری سرگرم شدن» (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۲۲۲۶) و یا «پرداختن به کاری، سرگرم شدن، سرگرمی و گرفتاری» (معین، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۸۰) است. در اصطلاح «کار می‌تواند به عنوان انجام وظایفی تعریف شود که متضمن صرف کوشش‌های فکری و جسمی بوده و هدفشان تولید کالاها و خدماتی است که نیازهای انسانی را برآورده می‌سازد. شغل یا پیشه، کاری است که در مقابل مزد یا حقوق و به طور منظم انجام می‌شود. کار در همه فرهنگ‌ها اساس نظام اقتصادی یا اقتصاد است که شامل نهادهایی است که با تولید و توزیع کالاها و خدمات سروکار دارند» (گیدنز، ۱۳۸۷، ص ۵۱۷).

اشتغال به کار به طور معمول وضعیتی است که توسط مراجع و مراکز آماری و اقتصادی هر کشور با ذکر ویژگی‌های معین تعریف می‌شود. برای مثال مرکز آمار ایران شاغل را چنین تعریف کرده است: «کلیه جمعیت ده ساله و بیشتر، که در هفت روز پیش از مراجعه مأمور سرشماری به کاری اشتغال داشته‌اند ... و در این مدت [به طور متوسط] روزی هشت ساعت یا بیشتر کار کرده‌اند، شاغل محسوب می‌شوند» (مریدی، ۱۳۷۳، ص ۵۲). بنابراین در اصطلاح متعارف، اشتغال به کارهای تمام وقت، دارای مزد و به طور عمده بیرون از خانه اطلاق می‌شود.

۲. مروری بر تاریخچه اشتغال زنان در بیرون از خانه

اشتغال زنان در غرب، پس از انقلاب صنعتی، به صورت گسترده شکل گرفت و افزایش مشارکت زنان در عرصه فعالیت‌های اقتصادی و اشتغال، به سبب نیاز شدید جوامع صنعتی به نیروی کار ارزان بود، نه به علت این که گسترش مشارکت زنان در جهت رعایت شخصیت و منزلت آنان باشد. پس طرف‌داری از گسترش فعالیت اقتصادی زنان در غرب، در ابتدا با شعار آزادی و مساوات صورت گرفته، در حالی که در واقع ناشی از ضرورت و نیاز به نیروی کار ارزان بوده است؛ زیرا کارگران و روستاییان پس از انقلاب صنعتی، کشاورزی را رها کردند و به سوی مراکز صنعتی روی آوردند و با توجه به ناچیز بودن مزد کارگران مرد، آنان مجبور بودند زنان و کودکان خود را نیز برای کار کردن به کارخانه‌ها گسیل دهند و به دلیل آن که در آغاز انقلاب صنعتی لازم نبود کارگران از مهارت‌های خاصی بهره‌مند باشند، استفاده از کار زنان و کودکان مرسوم و متداول شد (عراقی، ۱۳۸۶، ص ۵۶).

در ایران، در دوره‌های قبل و بعد از اسلام تا نیمه قرن دوازدهم در کل جامعه (شهری، روستایی و ایلی) زنان فقط در زمینه خانواده نقش اول را داشتند و فعالیت‌های آنان به طور عمده محدود به کارهای خانه می‌شد و حتی نقش آنان در خارج از خانه در واقع ادامه نقش وی در خانه بود (جاراللهی، ۱۳۷۲، ش ۳-۴، ص ۲۵۸-۲۵۷).

از نیمه قرن دوازدهم تا قرن چهاردهم، به دلیل ارتباط وسیع‌تر ایران با تمدن صنعتی غرب، به تدریج تغییراتی در ساختار اجتماعی - اقتصادی جامعه و در نتیجه دگرگونی در زندگی و موقعیت پایتخت و شهرهای بزرگ گردید، ولی در موقعیت اجتماعی زنان روستایی و زنان ایل‌نشین به دلیل دور ماندن از ارزش‌های غربی تغییرات عمده‌ای به وجود نیامد. از جمله فعالیت‌هایی که زنان به آن اشتغال داشتند، کارگری در کارخانه‌های نساجی، قالی‌بافی و شیلات بود. مشاغل سیاسی

بسیار محدود و منحصر به زنان وابسته به طبقه حاکم بود. به جز این موارد، زنان به طور معمول مسؤول فعالیت‌های داخل خانه (اعم از بچه‌داری، نظافت و آشپزی و...) بودند. (همان، صص ۲۶۰-۲۶۳). در قرن چهاردهم با توجه به امکان تحصیل عمومی، اشتغال زنان در خارج از خانه رشد بیشتری پیدا کرد، در عین حال آخرین سرشماری در سال ۱۳۵۵ نشان می‌دهد «۷/۱۳ درصد زنان، در مقابل ۳/۸۶ درصد مردان در کل کشور مشغول به کار بودند» (همان، ص ۲۶۶). بنابراین در اکثریت جامعه همان الگوی تقسیم کار وجود دارد و اشتغال زنان محدود بوده است.

۳. دیدگاه اسلام نسبت به اشتغال زنان

دین مبین اسلام هیچ‌گاه زن را از حضور در اجتماع و پذیرش مسؤولیت‌های اجتماعی محروم نساخته است و او را به این امر تشویق و ترغیب می‌نماید، اما همانند سایر امور، آن را بدون قید و شرط رها نکرده و برای آن ضوابط و شرایطی معین نموده است، تا در پرتو رعایت و مداومت بر این ضوابط، هم‌کانون مستحکم و گرم خانوادگی حفظ شود و هم از رشد فساد و تباهی در جامعه جلوگیری به عمل آید.

در این جا لازم است جواز حضور زنان در اجتماع و اشتغال آنان را از سه منظر قرآن، سنت و عقل مورد بررسی قرار دهیم.

۱.۳. قرآن کریم

از آیات قرآن کریم می‌توان استنباط نمود که کسب و کار - فی‌الجمله - برای زنان مجاز بوده و حرام نیست. برخی از اطلاعات و عمومات و دلالت التزامی آیات، ما را به جواز کار زنان رهنمون می‌سازند. ﴿لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبُواْ وَ لِّلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَ﴾ (نساء/۳۲)؛ مردان را از آنچه به اختیار کسب کرده‌اند بهره‌ای است و برای زنان نیز از آنچه (به اختیار) کسب کرده‌اند، بهره‌ای است.

آیه کریمه بر جواز اشتغال زنان دلالت دارد، زیرا حلال بودن اکتساب - یعنی تحصیل درآمد - مفروض گرفته شده و سپس درباره درآمد حاصل از آن اظهار نظر شده است (هادوی تهرانی، ۱۳۷۶، ۱۰۱). پس اگر زن یا مرد از راه عمل چیزی به دست آورند خاص خودشان است. در این جا، کلمه اکتساب عمل اختیاری و غیراختیاری را شامل می‌شود (طباطبایی، ج ۴، ص ۵۳۴). گرچه دانشمندان علم لغت درباره واژه کسب و اکتساب گفته‌اند که هر دو مختص جایی هستند که عمل به اختیار آدمی انجام شود (همان). در هر صورت، واژه اکتساب عمل اختیاری را شامل می‌شود که در این جا مورد نظر است.

آیه دیگری که با اطلاق خود، بر جواز اشتغال زنان دلالت دارد این آیه است: ﴿فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (جمعه/۱۰)؛ هنگامی که نماز پایان یافت در زمین پراکنده شوید و از فضل خدا بطلبید و خدا را بسیار یاد کنید، شاید رستگار شوید. این آیه بر جواز کار زنان دلالت دارد، چنان که در تفسیر نمونه آمده است:

«گرچه جمله ﴿وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ﴾ و یا تعبیرات مشابه آن در قرآن، شاید اغلب به معنای طلب روزی و کسب و تجارت آمده است، ولی روشن است که مفهوم این جمله، گسترده است و کسب و کار یکی از مصادیق آن است. امر به انتشار در روی زمین و طلب روزی امر وجوبی نیست؛ بلکه به اصطلاح امر بعد از حظر و نهی است و دلیل بر جواز می‌باشد» (جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، ۱۳۸۳، ج ۲۱، صص ۱۲۷-۱۲۹).

همچنین از آیاتی همچون ﴿وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ﴾؛ از فضل خدا جویا شوید، ﴿هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا﴾؛ او شما را از زمین پدید آورد و برای آباد کردن آن برگماشت (هود/۶۱)، معلوم می‌شود این آیات به طور عام، مردان و زنان را به سوی کار و آبادانی زمین تشویق و ترغیب می‌کند. افزون بر این در قرآن کریم از دختران حضرت شعیب عليه السلام یاد کرده که به کار چوپانی اشتغال

داشته‌اند (قصص/۲۳).

با توجه به روایات، زنان مسلمان در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه طاهرين عليهم السلام، در مشاغل گوناگون مانند تجارت، صنایع دستی، ریسندگی و بافندگی، آرایش‌گری، خدمات خانگی، اجاره‌املاک، تولید مواد خوشبو کننده، چوبانی، خیاطی و مانند آنها، به عنوان شغل درآمدزا، مشغول بوده‌اند و مورد نهی قرار نگرفته‌اند (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۴ق، بی‌تا، ج ۲۴، ص ۹ و ص ۲۶۴ و ج ۱۲، ص ۱۷۴، صص ۹۳-۹۵)؛ به استثنای مشاغل فسادانگیزی مانند «روسی‌گری و آوازخوانی در مجالس گناه» (حر عاملی، بی‌تا، صص ۶۲-۶۵؛ ۸۴-۸۵).

افزون بر این کار از دیدگاه اسلام شامل همه فعالیت‌های مفیدی است که موجب ارتقاء روحی، معنوی، اخلاقی و اقتصادی فرد و جامعه می‌شود. ارزش مادی کار را تا آنجا بالا می‌برد که کار مجاز - به طور متعارف - تنها وسیله مالکیت مشروع دانسته می‌شود ﴿وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى﴾ (نجم/۳۹)؛ برای آدمی جز آنچه انجام داده نخواهد بود. همه قراردادهای مالی و سودها و انتفاع حاصله بر اصل کار پایه‌گذاری شده و هر کس محصول کار خود را می‌برد (نیایکی، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۷۰۱). بلکه ارزش معنوی کار تا حد جهاد فی سبیل الله ارتقاء بخشیده شده است (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۸۸). بنابراین بر حسب قواعد اولیه نیز از دیدگاه اسلام کارهای مجاز برای زن و مرد جایز می‌باشد؛ بلکه مورد توصیه و تأکید است. توصیه‌هایی دال بر فضیلت «طلب مال حلال» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۰۳، ص ۱۸)، «کسب و کار به دست خود» (محمد ری شهری، ۱۳۶۳، ج ۸، صص ۳۸۵-۳۸۸)، «اهمیت تجارت» (همان، ج ۱، ص ۵۱۸) و نیز مباحث: «رزق حلال، صنعت، مشاغل حلال و...»، همگی به طور عام شامل زنان و مردان می‌شود؛ «طلب الحلال فریضة علی کل مسلم و مسلمة» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۳، ص ۶).

۲.۳. سنت

از روایات نیز می‌توان جواز اشتغال زنان را به دست آورد. چنان که رسول اکرم ﷺ می‌فرماید:

«طلب الحلال فریضة علی کل مسلم و مسلمة» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۳، ص ۶)، که طلب مال حلال از راه کسب و کار را نیز شامل می‌شود. در جای دیگر آمده است «رخص رسول الله فی خروج النساء العواتق العیدین للتعرض الرزق» (همان، ج ۹۰، ص ۳۷۴)؛ فرستاده خدا به زنان جوان اجازه دادند تا در مراسم عید فطر و قربان از منازل خود خارج شوند و برای تهیه روزی، بساط بگسترانند.

سیره و نوع رفتار پیامبر ﷺ با اشتغال زنان در عصر رسالت، به خوبی گویای جواز کار زنان است و جواز بسیاری از کارها برای زنان امضاء شده است (طباطبایی، بی تا، ص ۵۴۹). صنایع دستی، نخ‌ریسی، پارچه‌بافی، تجارت، بازرگانی، فروشنده‌گی، پرستاری و امدادگری، نانوایی و چوپانی از جمله مشاغل زنان در عصر رسالت بوده و حضرت از این کارها نهی نفرموده‌اند و آن را در چارچوب احکام اسلام امضاء کرده‌اند (سعیدزاده، ۱۳۷۴، صص ۱۴-۱۵). در تفسیر المیزان آمده است:

«امور غیر عامه، از قبیل تعلیم و تعلم، کسب و پرستاری بیماران و مداوای آنان، پیامبر ﷺ، زنان را از آن منع نفرموده و سیرت نبوی بسیاری از این کارها را امضاء کرده است» (طباطبایی، همان، ص ۵۴۹).

اشتغال زنان در عصر رسالت به شکل گسترده به چشم می‌خورد و به طور تقریبی در بسیاری شغل‌های رایج آن زمان، زنان حضور داشتند.

می‌توان از آیات و روایات این گونه استنباط کرد که زنان حق دارند برخی مشاغل را عهده‌دار گردند، زیرا اطلاقات و عمومات آیات، روایات و سیره بر این امر دلالت دارند، مگر دلیل خاصی آنها را مقید و شغل خاصی را برای زنان

ممنوع سازد.

﴿۱۲۵﴾

هرگاه برای فرد هدف اخلاقی و برای جامعه هدف حقوقی قائل شدیم و از فرد و جامعه خواستیم که برای تحقق هدف خود بکوشند، به طور طبیعی برای رسیدن به هدف خود، از وسایلی استفاده می‌کنند. استفاده فرد از قوای جسمی و روحی و استعداد های گوناگون مادی و معنوی خویش، اگر برای رسیدن به هدف اعلای اخلاقی باشد، به طور کامل مشروع و مجاز است. دسته‌ای از حقوق به گونه‌ای هستند که عقل انسان - به طور مستقل - دلیل حق بودنشان را درمی‌یابد، یعنی به خوبی درمی‌یابد که انسان اگر از آنها محروم گردد هدف خدای متعال از آفرینش تحقق نمی‌یابد، همانند خوردن، آشامیدن، لباس، مسکن، کار کردن و مانند آن. در این گونه موارد، که عقل بدون کمک از منبع دیگر، ارتباط میان فعل و هدف را به خوبی شناسایی می‌کند و از راه کشف ارتباط به ثبوت حق می‌رسد، ثبوت حق از مستقلات عقلی است. از این رشته حقوق گاهی به «حقوق عقلی» یا «حقوق فطری» یاد می‌کنند (مصباح، ۱۳۷۷، ص ۴۷). پس بدون کار کردن همانند دیگر نیازهای اولیه، انسان به اهداف اخلاقی و اجتماعی خود نخواهد رسید و از این رو، حق کار کردن، چه برای زن و چه برای مرد، از حقوق فطری و مستقلات عقلی است و اگر انسان‌ها از آن محروم گردند، هدف خدای متعال از آفرینش تحقق نمی‌یابد.

۳.۳. عقل

هرگاه برای فرد هدف اخلاقی و برای جامعه هدف حقوقی قائل شدیم و از فرد و جامعه خواستیم که برای تحقق هدف خویش بکوشند، به طور طبیعی برای رسیدن به آن هدف از وسایلی استفاده می‌کنند. استفاده فرد از قوای جسمی و روحی و استعداد های گوناگون مادی و معنوی خویش، اگر برای رسیدن به هدف اعلای اخلاقی باشد، به طور کامل مشروع و مجاز است. دسته‌ای از حقوق به گونه‌ای هستند که عقل انسان - به طور مستقل - به دلیل حق بودنشان

درمی‌یابد، یعنی به خوبی درمی‌یابد که انسان اگر از آنها محروم گردد هدف خدای متعال از آفرینش تحقق نمی‌یابد، همانند خوردن، آشامیدن، لباس، مسکن، کار کردن و مانند آن. در این گونه موارد که عقل بدون کمک از منبع دیگر، ارتباط میان فعل و هدف را به خوبی شناسایی می‌کند و از راه کشف ارتباط به ثبوت حق می‌رسد، ثبوت حق در این گونه موارد، از مستقلات عقلی است. از این رشته حقوق گاهی به «حقوق عقلی» یا «حقوق فطری» یاد می‌کنند (مصباح، ۱۳۷۷، ص ۴۷)؛ پس بدون کار کردن همانند دیگر نیازهای اولیه، انسان به اهداف اخلاقی و اجتماعی خود نخواهد رسید و از این رو، حق کار کردن، چه برای زن و چه برای مرد، جزء حقوق فطری و مستقلات عقلی است و اگر انسان‌ها از آن محروم گردند هدف خدای متعال از آفرینش تحقق نمی‌یابد.

۴. دیدگاه فمینیسم نسبت به اشتغال زنان

«فمینیسم» اصطلاحی است که از واژه «Femme» در زبان فرانسه مشتق شده و به مبارزه علیه فرودستی زنان نسبت به مردان در خانه، است شمار آنها در خانواده و جایگاه نازل ایشان در محیط کار، جامعه، فرهنگ و باورها اطلاق می‌شود. علاوه بر این، فمینیسم به فشار مضاعفی که زنان در امر تولید اقتصادی و تولید مثل متحمل می‌شوند، معترض است. فمینیسم «زنانگی» و «مردانگی» را به عنوان مقولاتی انحصاری، زیست‌شناختی و از پیش تعیین شده به چالش می‌کشد و در پی ایجاد جنبشی در بین زنان به منظور احقاق حقوق خود است.

از قریب پانصد سال پیش، ابتدا در اروپای غربی و سپس در آمریکای شمالی و به تدریج، در سراسر جهان، انسانی در حال ظهور و پیدایش بوده است که به آن «انسان متجدد» یا «انسان مدرن» می‌گویند. بعدها لفظ «تجدد» را گاه به جوامع یا تمدن‌ها یا حتی گاه به دوره‌ای تاریخی نیز اطلاق کرده‌اند (ملکیان، ۱۳۷۹، ص ۳۳).

۱.۴. مبانی نظری فمینیسم‌ها

فمینیسم با تکیه بر اصل «برابری زن و مرد» و به داعیه دفاع از حقوق زن، در همه زمینه‌های اقتصادی با زمینه‌ها و جریاناتی که سبب نابرابری در مشاغل، رده‌بندی شغلی، حقوق نابرابر و هر نوع تبعیض کاری می‌شود، مبارزه می‌کند و تفاوت‌های جنسی و فیزیولوژی و نوع علایق و سلیق و توانمندی‌های مردانه و زنانه را نادیده می‌گیرد.

اصول کلی که می‌توان از میان آراء فمینیست‌ها به دست آورد، حاوی مطالبی به شرح زیر است:

۱. اصالت دادن به انسانیت افراد بدون در نظر گرفتن جنسیت آنها؛
۲. اعطای استقلال مالی و عملی به زنان و رها کردن آنها از قید وابستگی و نظارت مردان؛

۳. مبارزه با عقیده ناقص بودن زنان در زمینه‌های مختلف؛

۴. ارائه بینش جدید از علوم و مسائل جامعه براساس تفکر فمینیستی و زنانه؛

۵. برابری زن و مرد در نظریه و عمل؛ (پیام زن؛ فمینیسم تکرار تجربه‌های ناموفق، ش ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸). زنان فمینیست می‌کوشند تا با اتکاء به این اصول، نظام پدرسالاری و حکومت مردانه را از بین برده، دیدگاه جدیدی بر پایه تفکر زن‌مدارانه (در بُعد فمینیسم تندرو) یا بی‌طرف (در دیدگاه‌های محافظه کارانه‌تر فمینیسم) ارائه دهند و دنیای نوینی با ارزش‌ها و منافع عادلانه‌تر بنا نهند (میشل آندره، جنبش اجتماعی زنان).

شعائری که زیربنای این اصول را تشکیل می‌دهند، عبارتند از:

۱. نفی تفکیک نقش بین زنان و مردان؛
۲. جلوگیری از خشونت‌های جنسی مردان علیه زنان؛
۳. جلوگیری روابط تولید مثلی از روابطی که فقط به منظور کسب لذات جنسی صورت می‌گیرد؛

۴. مجاز دانستن زنان برای تصمیم‌گیری درباره‌ی جلوگیری از حاملگی و سقط جنین؛

۵. به رسمیت شناختن خانواده‌های تک والدینی و مادر مجرد؛

۶. دفاع از حقوق کودکان نامشروع و برابر دانستن آنان با کودکان مشروع؛

۷. آزاد بودن زنان برای برقراری روابط آزاد جنسی همانند مردان؛

۸. محق بودن زنان در برخوردارگی از هویتی مستقل از هویت شوهر و پدر؛

۹. ایجاد جهان دو جنسی و حذف صفات زنان (همان).

تا پیش از ورود زنان به قلمرو علم و مجاز دانستن آنها برای تحصیل در سطوح عالی، درخواست زنان برای دست‌یابی به حقوق مساوی با مردان، فقط در ابعاد حقوق مدنی و سیاسی، آن هم توسط زنان طبقه متوسط، که از مناصب و کار خود محروم شده بودند، خلاصه می‌شود و بعدها با فراهم شدن شرایط کار در کارخانه‌ها برای زنان، حقوق اقتصادی نیز به این حقوق اضافه شد. همزمان با ظهور فمینیسم در ادبیات و نفوذ زنان به عرصه‌های مختلف علمی، مباحث فمینیسم بعد علمی و نظری یافت و به تدریج شکل یک فلسفه سیاسی را به خود گرفت. از این رو به جای ارائه خواست‌های حقوقی به چرایی وضعیت زنان و کشف این نکته پرداخت که چرا نظام جهان، نظامی دو جنسی است؛ نظامی که در آن مردان با برخوردارگی از قدرتی تام و تمام همواره زنان را تحت سلطه و سیطره خود دارند (الیسون؛ فمینیسم به مشابه فلسفه سیاسی، ترجمه مریم خراسانی، جامعه سالم، ش ۲۶).

فمینیسم به عنوان یک مکتب فکری بشری، که ریشه در بنیان‌های فکری و فلسفی عصر روشنگری دارد، مبتنی بر اصول متعددی همچون اومانیسم، سکولاریسم، نسبی‌گرایی اخلاقی، فردگرایی، لیبرالیسم و برابری است (چراغی کوتیانی، ۱۳۸۹، ص ۳۵). با وجود اثرگذاری هر یک از این اصول بر نظام راه‌کارهای برآمده از مکتب فمینیسم، دو اصل «فردگرایی» و اصل «برابری و

تساوی مطلق زن و مرد» به معنای رد هرگونه تفاوت تکوینی میان زن و مرد، در کنار هدف غایی این مکتب مبنی بر «کسب برابری مطلق میان زن و مرد»، روح کلی حاکم بر مکتب فکری فمینیسم را شکل می‌دهند (چراغی کوتیانی، ۱۳۸۹، ص ۶۷).

از آنجا که اولین جریان فمینیستی در بستر لیبرالیسم شکل گرفت، شعار برابری به تبع آموزه‌های لیبرالی، مورد توجه فمینیست‌ها واقع شد و مبالغه نیست اگر بگوییم محوری‌ترین و چالش‌انگیزترین آموزه فمینیسم، که از سویی تأثیرگذارترین آموزه فمینیستی در عرصه عمل اجتماعی و سیاسی و فرهنگی نیز محسوب می‌شد، آموزه «برابری» است (رودگر، ۱۳۸۸، ص ۶۵).

۲.۴. اشتغال زنان در نظریه فمینیسم

تمام فمینیست‌ها، اعم از لیبرال موج اول تا فمینیست‌های مارکسیست، سوسیالیست و رادیکال در موج دوم، بر این نکته اتفاق نظر دارند که تبعیض جنسیتی در مورد زنان محکوم است و ریشه‌های آن را در پندارهای مردسالارانه جوامع سنتی می‌دانند (قیطانچی، ۱۳۸۱، ص ۱۸۶، به نقل از احمدی خراسانی).

در مفهوم برابری جنسیتی، اصول مورد توجه، گرایش به کوچک شماری یا حتی فراموشی تفاوت‌های جنسیتی است. علت این بی‌توجهی آن است که این گونه تمایزات، مانعی برای رسیدن به برابری‌های اجتماعی و اقتصادی محسوب می‌شود. در این صورت، تفاوت‌های جنسیتی باید به عنوان یک مقوله بی‌ربط در مکاتب، وضع قانون، دادگاه‌ها و اشتغال در نظر گرفته شده، کنار گذاشته شود.

در این رویکرد، فمینیست‌ها تأکید خاص بر مشارکت اقتصادی و برابری زنان با مردان داشته، حتی گاهی اوقات ارزش کم‌تری برای کار خانگی قائل می‌شوند. به نظر آنان، زنان ظرفیت‌های مورد نیاز را برای دست‌رسی برابر به فرصت‌های اجتماعی و اقتصادی و فکری در اختیار دارند و از این لحاظ، هیچ نقصانی را نسبت به مردان بر نمی‌تابند.

در رویکرد برابری جنسیتی (اولین مسیر)، فمینیسم لیبرال با الهام از جنبش لیبرالیستی، بر ورود زنان به حوزه عمومی - مانند ورود به نهاد اقتصادی (اشتغال) و سیاسی (رأی دادن) - متمرکز شد. به خصوص ایده برابری فرصت‌ها و حقوق بشر را برای دو جنس مطرح می‌کند.

بر مبنای دو اصل «فردگرایی» و «تساوی مطلق میان زن و مرد»، راهبرد اصلی در چنین نگرشی در بُعد اقتصادی زندگی زنان، «برابری اقتصادی زنان با مردان» است و تنها روش دستیابی به آن «کسب درآمد توسط زن به واسطه اشتغال تمام وقت در خارج از خانه» خواهد بود. از نظر فمینیست‌ها زن و شوهر باید مانند دو هم‌اتاقی هم‌جنس زندگی کنند و آنچه مسلم است این که باید هر یک از آن دو با کسب شغل مناسب، استقلال اقتصادی خود را حفظ کنند (گراگلیا، ۱۳۸۳، ص ۸۷).

فمینیست‌ها، به ویژه فمینیست‌های اولیه، به صورت افراطی، هر قانونی را که بر اساس تفاوت‌های جنسیتی شکل می‌گرفت، حتی اگر به نفع زنان بود، مخالف اصل برابری و در جهت تحکیم اصل تفاوت و درازمدت به ضرر زنان تلقی می‌کردند. برای نمونه، آنها قوانین حمایتی برای زنان را نوعی توهین و در جهت تضعیف و ناتوان دانستن آنها ارزیابی می‌کردند و معتقد بودند هر دو جنس باید به طور مساوی، در بیرون از خانه و برای کسب درآمد خانواده کار کنند. در اجتماع نیز وظایف شغلی، مدیریتی، سیاسی و آموزشی باید به طور مساوی و فارغ از هرگونه جنسیت محوری فراهم شود و در قوانین کار، هیچ فرقی بین زن و مرد لحاظ نشود و زنان نه تنها در حقوق و مزایا، بلکه در وظایف و مسؤولیت‌ها نیز باید با مردان برابر باشند (رودگر، ۱۳۸۸، ص ۶۷).

نتایج پژوهش

با توجه به مطالب مطرح شده درباره اشتغال زنان می‌توان نتیجه گرفت که انسان در هر وضع و موقعیت و صرف نظر از جنس، نژاد، رنگ و مانند آنها از یک

سلسله حقوق برخوردار است. یکی از این حقوق، حق «اشتغال و کار» است. بخشی از ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر در این مورد مقرر داشته است که هر کسی حق دارد کار کند و کار خود را آزادانه انتخاب نماید. نیمی از افراد هر جامعه، زنان هستند که می‌توانند در عرصه‌های مختلف جامعه مشارکت فعال داشته باشند. اشتغال زنان به شکل امروزی مسأله‌ای جدید است. تحولات بسیاری طی دو سده اخیر در جهان رخ داد که موجب گرایش فزاینده زنان به اشتغال شد. واقعیت این است که ظهور فمینیسم و رواج آن نشانه بحران در تفکر معاصر غربی است که در ستیز با واقعیات طبیعی و داده‌های علمی (روان‌شناختی، زیست‌شناختی و...) قرار دارد. فمینیسم در تمامی شاخه‌ها و جلوه‌هایش، هدف و نتیجه‌ای جز ایجاد اختلاف و ناسازگاری بین دو جنس و تشدید بحران عدم تفاهم انسان‌ها ندارد. هدف آن برابری مرد و زن در برابر امکانات اشتغال و دست‌مزد ناشی از کار و دفاع از حقوق زن در دیگر زمینه‌ها بود و این نهضت به معنای دقیق آن در قرن نوزدهم از فرانسه گسترش پیدا کرد. فمینیسم در بهترین معنای آن علاقه بسیار به رفاه زنان و بهبود شرایط زندگی زنان از طریق فعالیت‌های اجتماعی گوناگون است. از جمله معروف‌ترین نهضت‌های فمینیستی عبارتند از: فمینیسم لیبرال، فمینیسم مارکسیستی، فمینیسم رادیکال و فمینیسم سوسیالیستی است.

اما در اسلام، زن و مرد از حقوق برابر اما غیرمشابه برخوردارند. نقش مادری و تربیت فرزند از ارزش والایی برخوردار است، ولی در عین حال، حضور زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی با رعایت موازین شرعی و اخلاقی و تناسب شغل، مطلوب، بلکه گاهی اوقات واجب بوده و فقها و حقوق‌دانان ما نیز باید با روشن‌بینی و در نظر گرفتن عنصر زمان و مکان البته با رعایت معیارها و اصول صحیح ضابطه‌مند استنباط، در فهم متون دینی با استمداد از حقایق و واقعیات روز تلاش بیشتری نموده و راه کارهای عملی و به روز ارائه کنند و در جهت

جلوگیری از ستم بر زنان و بدرفتاری با آنها و نیز در تضمین حقوق مشروع اجتماعی و فردی آنها بکوشند.

منابع و مأخذ

* قرآن کریم.

۱. امام خمینی رحمته الله علیه (۱۳۷۹)، *تحریر الوسیله*، قم، مؤسسه تنظیم نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
۲. پیام زن (بی تا)؛ «فمنیسم تکرار تجربه های ناموفق»، ش ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸.
۳. جاراللهی، عذرا (۱۳۷۲)، «تاریخچه اشتغال زن در ایران»، فصلنامه علوم اجتماعی.
۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۵)، *فلسفه حقوق بشر*، قم، اسراء.
۵. چراغی کوتیانی، اسماعیل (۱۳۸۹)، *خانواده در اسلام و فمینیسم*، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن (بی تا)، *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، بیروت، احیاء التراث العربی.
۷. حکیم پور، محمد (۱۳۸۴)، *حقوق و زن در کشاکش سنت و تجدد*، ج ۲، تهران، انتشارات نغمه نو اندیش.
۸. خوئی، سید ابوالقاسم، (بی تا)، *منهاج الصالحین*، ج ۲، «لایجوز للزوجه ان تخرج من بیتها بغير اذن زوجها فیما اذا كان خروجها منافیا لحق الاستماع بل مطلقا علی الاحوط».
۹. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳)، *لغت نامه دهخدا*، تهران، دانشگاه تهران.
۱۰. راغب اصفهانی (۱۴۱۶ق)، *مفردات الفاظ قرآن*، تحقیق صنوان عدنان داوودی، بیروت، دارالعلم و دارالشامی.
۱۱. رودگر، نرجس (۱۳۸۸)، *فمنیسم؛ مولود گفتمان غرب*، دبیرخانه دومین همایش جهانی مسائل زنان ره آورد جهان اسلام در مسائل زنان و واکاوی پیامدهای فمینیسم.
۱۲. سعید زاده، محسن (۱۳۷۴)، «مشاغل زنان در عصر رسالت»، *مجله پیام زن*، ش ۳۸.
۱۳. شهید ثانی (۱۴۱۶ق)، *مسالك الافهام*، ج ۱۳، مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۱۴. شیخی، محمد تقی (بی تا)، *جامعه شناسی جهان سوم*.
۱۵. صفایی، حسین و امامی، اسدالله (۱۳۷۸)، *مختصر حقوق و خانواده*، ج ۶، تهران، میزان.
۱۶. طباطبایی، سید محمد حسین (بی تا)، *المیزان*، ج ۴، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، انتشارات اسلامی.
۱۷. عراقی، عزت الله (۱۳۸۶)، *حقوق کار*، ج ۵، تهران، انتشارات سمت.
۱۸. علویون، محمد رضا (۱۳۸۰)، *کار زنان در حقوق ایران و بین الملل*، تهران، روشن فکر و مطالعات زنان.
۱۹. فضل الله، محمد حسین (۱۳۸۲)، *دنیای زن*، تهران، دفتر نشر پژوهش و نشر سهروردی.

۲۰. فضل الله، محمد حسین (۱۳۸۲)، *اسلام، زن و جستاری تازه*، ترجمه مجید مرادی، قم، بوستان کتاب.
۲۱. قیطانچی، الهام (۱۳۸۱)، *موج های فمینیسم*، فصل زنان، گردآورنده نوشین احمدی خراسانی، تهران، توسعه.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵)، *کافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۳. گراگلیا، کارولین (۱۳۸۳)، *فمینیسم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳*، ج ۲، ترجمه و تدوین معصومه محمدی، تهران، دفتر نشر معارف، چاپ چهارم.
۲۴. گیلدنز، آنتونی (۱۳۷۸)، *جامعه شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
۲۵. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ق)، *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء.
۲۶. مجلسی، محمد باقر (بی تا)، *بحار الانوار*، قم، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، معجم موضوعی بحار الانوار.
۲۷. مشهدی، غلام و حسین آبادی، امیر (بی تا)، *مجموعه نظرات مشورتی اداره حقوقی دادگستری جمهوری اسلامی ایران*.
۲۸. مصباح، محمد تقی (۱۳۷۷)، *حقوق و سیاست*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۲۹. معین، محمد (۱۳۷۱)، *فرهنگ فارسی*، تهران، امیرکبیر.
۳۰. مقاله نامه ۱۲۷، مصوب ۱۹۶۷ و مقاله نامه ۴۵، مصوب ۱۹۳۵.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان (۱۳۸۳)، *تفسیر نمونه*، ج ۲۱، تهران، دارالکتب اسلامیه.
۳۲. موسوی، فضل الله و رهوری، کتابیون (۱۳۸۳)، «بررسی تطبیقی شرایط کار زنان»، مجله دانشکده حقوق، ش ۶۴.
۳۳. مهرپور، حسن (۱۳۷۷)، «نگاهی به عنوان حقوق مالی زن در نظام حقوقی ایران»، مجله حقوقی دادگستری، ش ۱.
۳۴. نجفی، محمد حسن (بی تا)، *جواهر الکلام*، ج ۴۰، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، طبع السابعة.
۳۵. نراقی، احمد (۱۴۱۹ق)، *مستند الشیعه*، ج ۱۷، قم، آل الیبت لاحیاء التراث.
۳۶. هادوی تهرانی، مهدی (۱۳۷۶)، «ضوابط شرعی اشتغال زنان»، مجله پیام حوزه، ش ۱۴.
۳۷. هاشمی، محمد (۱۳۷۰)، «نگرش بر قانون کار جدید ج. ا. ا.»، ضمیمه مجله تحقیقات حقوقی، تهران، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
۳۸. الیسون (بی تا)، «فمینیسم به مثابه فلسفه سیاسی»، ترجمه مریم خراسانی، جامعه سالم، ش ۲۶.
۳۹. گفتگو با آیت الله ابراهیم امینی (بی تا)، «مسائل زن و خانواده»، مجله پیام زن، ش ۶۶.

